

Kawabata Yasunari, Yamanashi - 1997 - 7771
 یاسوناری کاواباتا : کاواباتا، یاماناشی، ۱۹۹۷ - ۷۷۷۱

یاسوناری کاواباتا : کاواباتا، یاماناشی، ۱۹۹۷ - ۷۷۷۱
 یاسوناری کاواباتا : کاواباتا، یاماناشی، ۱۹۹۷ - ۷۷۷۱

یاسوناری کاواباتا : کاواباتا، یاماناشی، ۱۹۹۷ - ۷۷۷۱
 یاسوناری کاواباتا : کاواباتا، یاماناشی، ۱۹۹۷ - ۷۷۷۱

یاسوناری کاواباتا : کاواباتا، یاماناشی، ۱۹۹۷ - ۷۷۷۱
 یاسوناری کاواباتا : کاواباتا، یاماناشی، ۱۹۹۷ - ۷۷۷۱

یاسوناری کاواباتا

خانه خوبرویان خفته



مآ تالانشنا ۸۸۹۰۷۷۱ / ۸۸۹۰۷۷۱ / ۸۸۹۰۷۷۱
 مآ تالانشنا ۸۸۹۰۷۷۱ / ۸۸۹۰۷۷۱ / ۸۸۹۰۷۷۱

برگردان: رضا دادویی

- روزهای آخر، زبان خجسته
- زبانه خواب، زبانه خفته
- زبانه خواب، زبانه خفته
- زبانه خواب، زبانه خفته
- زبانه خواب، زبانه خفته
- زبانه خواب، زبانه خفته
- زبانه خواب، زبانه خفته
- زبانه خواب، زبانه خفته
- زبانه خواب، زبانه خفته
- زبانه خواب، زبانه خفته
- زبانه خواب، زبانه خفته
- زبانه خواب، زبانه خفته
- زبانه خواب، زبانه خفته
- زبانه خواب، زبانه خفته
- زبانه خواب، زبانه خفته

www.tiklsh.com

ISBN 978-964-6061-91-0 سیزدان ۹۷۸-۹۶۴-۶۰۶۱-۹۱-۰

ياسونارى كاواباتا

ياسونارى كاواباتا، پسر يك فيزيكدان فرهيخته، در ۱۴ ژوئن ۱۸۹۹ در اوزاكاي ژاپن به دنيا آمد. ياسونارى دو ساله بود كه از نعمت داشتن پدر و مادر محروم شد. بعد از مرگ زودهنگام والدينش تحت حمايت مهربانانه‌ي پدر بزرگ و مادر بزرگش در روستا رشد كرد و به مدرسه‌ي دولتي ژاپني رفت. او خواهرى بزرگتر از خود داشت كه يكي از خاله‌هايش سرپرستي او را به عهده گرفت و ياسونارى او را فقط يك بار در ده سالگيديد. ياسونارى در هفت سالگي مادر بزرگ خود و در پانزده سالگي پدر بزرگش را نيز از دست داد. با از دست دادن همه‌ي نزديكانش به نزد خانواده‌ي مادري اش رفت. سپس در سال ۱۹۱۶ به يك خانه‌ي شبانه‌روزي در نزديكي يك دبيرانستان نسبتاً مدرن و امروزي نقل مكان كرد. او بعد از پايان دوره‌ي دبيرانستان به توكيو رفت و در امتحان ورودى دانشگاه سلطنتى توكيو شركت كرد. با قبولى در آزمون ورودى رشته‌ي زبان انگليسى دانشكده علوم انساني از ۱۹۲۰ تا ۱۹۲۴ در دانشگاه سلطنتى توكيو به تحصيل پرداخت. او در طى دوره‌ي دانشگاه رشته‌ي خود را تغيير داد و در ماه مارس ۱۹۲۴ در رشته‌ي ادبيات ژاپني با موضوع پايان‌نامه‌ي *ديباچه‌اي بر تاريخ رمان در ادبيات ژاپن* فارغ‌التحصيل گرديد. در اكتوبر ۱۹۲۴ ياسونارى و تعدادى از جوانان نويسنده، اقدام به انتشار مجله‌اي

ادبی به نام *بانجی جیدای* یا *عصر هنر نمودند*. مکتب *بانجی جیدای* روشی در جهت تحرکات تازه‌ی مدرنیستی در ادبیات ژاپنی و در تقابل با شیوه‌های سنتی آموزش و سبقه‌های دانشگاهی به حساب می‌آمد. روشی که معتقد به تفکر هنر برای هنر و متأثر از مکاتب جدید اروپای مدرن همچون کوبیسم، اکسپرسیونیسم و دادا و... بود.

کاواباتا کار خود را به عنوان یک نویسنده با داستان کوتاه «رقاصه‌ای از ایزو» که در سال ۱۹۲۷ منتشر شد و مورد تحسین قرار گرفت، آغاز کرد. کاواباتا در کنار نویسندگی به حرفه‌ی خبرنگاری در روزنامه‌ها و مجلات نیز مشغول بود. او در همین دوران از حضور در جنگ اجتناب نمود و خود را از گرایش به تفکرات مبتنی بر نظامی‌گری که به جنگ دوم جهانی منتهی گردید، مبرا نمود. علاوه بر آن تمایل خود را نسبت به اصلاحات سیاسی در ژاپن بعد از جنگ کتمان نمی‌کرد. کاواباتا معتقد بود که در کنار از دست دادن اعضای خانواده در سنین نوجوانی، جنگ یکی از مهم‌ترین عناصر تأثیرگذار در نوشته‌های او بوده است و او به شکلی ناخودآگاه، مرثیه‌ی ژاپن بعد از جنگ را در روح همه‌ی آثارش دمیده است؛ به طوری که بسیاری از تحلیل‌گران بر این عقیده‌اند که می‌توان آثار کاواباتا را از نظر موضوعی به بخش پیش از جنگ و پس از جنگ تقسیم نمود.

در سال ۱۹۴۹ و بعد از نگارش چند اثر معتبر، موفقیت رمان «دهکده‌ی برفی» جایگاه او را به عنوان یکی از مهمترین نویسندگان ژاپن تثبیت نمود. کاواباتا پس از پایان جنگ جهانی دوم خود را به طور کامل وقف داستان‌نویسی نمود. از مجموعه‌ی آثار او می‌توان به «دار و دسته‌ی اسکارلت در آساکوزا ۱۹۳۰»، «دسته‌ی دُرناها ۱۹۵۲»، «آوای کوهستان ۱۹۵۳»، «دریاچه ۱۹۵۴»، «استاد تخته نرد ۱۹۵۴»، «پایتخت باستانی ۱۹۶۲»، «زیبایی و دلتنگی ۱۹۶۴»، «افسانه‌های جادوگری ۱۹۶۵» و... اشاره نمود. از نظر بسیاری خوانندگان و تحلیل‌گران، کاواباتا پایان بسیاری از داستان‌هایش را به طور آزاردهنده‌ای ناتمام گذاشته است. اما خود وی بر این عقیده بود که شیوه‌ی نگارشش را بر پایه‌ی اصول شعر کهن و سنتی ژاپن،

هایکو، بنا نهاده است.

کاواباتا در سال ۱۹۵۳ به عضویت آکادمی هنرهای ژاپن درآمد و چهار سال بعد به سمت ریاست انجمن قلم ژاپن منصوب شد. تلاش‌های او در طی سال‌های ریاستش بر این انجمن باعث گسترش ادبیات ژاپنی در کشورهای غربی و ترجمه‌ی این آثار به انگلیسی و دیگر زبان‌های دنیا شد.

کاواباتا نخستین ژاپنی بود که توانست بزرگترین جایزه‌ی ادبی جهان را از آن خود کند. در سال ۱۹۶۸ برگزارکنندگان جایزه ادبی نوبل، جایزه بخش ادبیات را به پاس خدمات یاسوناری کاواباتا به فرهنگ و ملت ژاپن و خلق شاهکارهایی ادبی به وی اهدا نمودند.

او همچنین در سال ۱۹۵۹ موفق به اخذ نشان گوته از انجمن ادبی شهر فرانکفورت نیز گردید.

یاسوناری کاواباتا در ۱۶ آوریل سال ۱۹۷۲ در سن ۷۲ سالگی، در شهر کاماکورا از استان کاناگاوا ژاپن به سیاق اجداد باستانی، اما با روشی دیگر و استفاده از گاز خودکشی کرد و به زندگی خود در این جهان پایان داد؛ اگر چه بعضی از نزدیکان وی، از جمله همسرش مرگ او را کاملاً اتفاقی می‌دانستند. در عین حال بسیاری از گمانه‌زنی‌ها بر آن بود که از جمله دلایل او برای اقدام به این کار آگاهی از مبتلا شدن به بیماری پارکینسون، احتمال وقوع عشقی ممنوع و یا شوک حاصل از شنیدن خبر خودکشی دوست صمیمی‌اش یوکیو میشیما در سال ۱۹۷۰ را ذکر کرد. اما او، علیرغم اقدام میشیما، هیچ یادداشتی از خود به جای نگذاشت و زندگی و آثار خود را در هاله‌ای از ابهام فرو برد.